

Historical investigation of the attendees from Jafar Tayyar's family in the event
of Ashura

Seyyed Mojtaba Osys¹ | Mohammad Anees²
(DOI): [10.22034/skh.2024.19598.1562](https://doi.org/10.22034/skh.2024.19598.1562)

Abstract

Original Article
P 7 -27

Jafar ibn Abi Talib is one of the great and influential figures in the history of Islam. His generation is known as Ja'aferah or Ale Jafar, who play an important role in the history of Islam, among other things, it can be said that they played an effective role during Ashura and Karbala.

The current research, which was written in a descriptive-analytical way and using library sources, aims to answer the question, which people from Jafar's family were present during Ashura and what was their role in this event? The findings of the research show that, based on numerous historical sources, eight people from Jafar Tayyar's family were present in this important event of Islamic history, and three of them named: Oun ibn Abdullah, Muhammad ibn Abdullah and Oun ibn Jafar were martyred and the rest were captured. The purpose of writing this article is to analyze one of the aspects of Jafar Tayyar's influence in history.

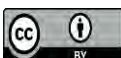
Keywords: Jafar Tayyar, children, Ja'aferah, Ashura incident, Karbala, martyrdom

1 - Department of Islamic History, Higher Education of Islamic History, Sira and Civilization Complex, Al-Mustafa International University, Qom, Iran. mojtaba_osya@miu.ac.ir

2- Department of History of Ahl al-Bayt, Higher Education of Islamic History, Sira and Civilization, Al-Mustafa International University, Eskardu, Pakistan.

aneesmohammad@miu.ac.ir

Received: 2024/10/19 | Accepted: 2024/10/26



This article is distributed under the terms of the Creative Commons Attribution4.0 | <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

بررسی تاریخی حاضران از خاندان جعفر طیار در واقعۀ عاشورا

سیدمجتبی اوصیاء^۱ | محمد انیس (نویسنده مسئول)^۲

شناسه دیجیتال (DOI): [10.22034/skh.2024.19598.1562](https://doi.org/10.22034/skh.2024.19598.1562)

نوع مقاله: علمی پژوهشی

ص: ۲۷/۷

چکیده

جعفر بن ابی طالب از شخصیت‌های بزرگ و تاثیرگذار در تاریخ اسلام به شمار می‌آید. نسل ایشان به جعفر یا آل جعفر شهرت یافته‌اند که نقش مهمی در تاریخ اسلام دارند، از جمله می‌توان گفت که در جریان عاشورا و کربلا نقش موثری داشته‌اند.

تحقیق حاضر که به شیوه و روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای نگارش یافته است در صدد پاسخ به این پرسش است که از خاندان جناب جعفر چه افرادی در جریان عاشورا حضور داشته‌اند و نقش ایشان در این واقعه چه بوده است؟ یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که بر اساس تتبع در منابع متعدد تاریخی هشت نفر از خاندان جعفر طیار در این رویداد مهم تاریخ اسلام حضور داشتند که سه نفر از آنها به نام‌های: عون بن عبدالله، محمد بن عبدالله و عون بن جعفر به شهادت رسیده و باقی نیز به اسارت در آمدند. هدف از نگارش این مقاله واکاوی یکی از ابعاد تاثیرگذاری خاندان جعفر طیار در تاریخ است.

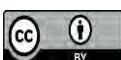
کلید واژه‌ها: جعفر طیار، فرزندان، جعفر، واقعۀ عاشورا، کربلا، شهادت

۱ - گروه تاریخ اسلام، مجتمع آموزش عالی تاریخ، سیره و تمدن اسلامی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران. mojtaba_osya@miu.ac.ir

۲ - گروه تاریخ اهل بیت(ع)، مجتمع آموزش عالی تاریخ، سیره و تمدن اسلامی، جامعه المصطفی العالمیه، اسکردو، پاکستان.

aneesmohammad@miu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۲۸ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۰۵



This article is distributed under the terms of the Creative Commons Attribution4.0 | <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

مقدمه:

جناب جعفر بن ابی طالب معروف به ذوالجناحین از شخصیت های برجسته و تاثیر گذار در تاریخ اسلام به شمار می آید. او از مسلمانان اولیه و از صحابه مخلص رسول خدا (ص) بود که در عرصه ماموریت های محوله خوش درخشید چه در عرصه سفارت و نمایندگی رسول خدا (ص) و سرپرستی مهاجرین مسلمان به حبشه به مدت ۱۵ سال و چه در عرصه فرماندهی سپاه اسلام در جنگ مونه کارنامه ای سرشار از درخشش و کامیابی داشته است و همین مساله بر تاثیر گذاری او در تاریخ اسلام صحه میگذارد. این تاثیر گذاری بعد ها نیز در فرزندان و نسل او که به جعافره شهرت یافتند انتقال یافت نقش خاندان جعفر طیار در حوادث و وقایع مهم تاریخی را می توان با مراجعه به منابع و آثار تاریخی جستجو کرد و آن را بررسی و تحلیل نمود. یکی از عرصه های مهم تاریخی واقعه عاشورا است که با توجه به گزارش های تاریخی می توان نقش این خاندان در حمایت از امام حسین بن علی (ع) را پررنگ مشاهده نمود. تحقیق حاضر به دنبال پاسخ به این پرسش است که افراد حاضر از خاندان و وابستگان جعفر طیار در واقعه عاشورا چه کسانی بوده اند و نقش ایشان در این واقعه مهم تاریخ اسلام چه بوده است و از لحاظ آماری چه تعداد از این افراد در این واقعه حضور داشته اند؟ بررسی ابعاد این حضور با نگاه به منابع تاریخی مساله ای مهم به نظر می رسد که تحقیق حاضر درصدد یافتن پاسخ به این موضوع مساله محور است.

کلیات و مفاهیم:

جعفر بن ابی طالب: ایشان فرزند جناب ابوطالب و فاطمه بنت اسد می باشند (ابن عبدالبر .یوسف ابن عبدالله .الاستیعاب .ج ۱ . ص ۲۴۲) و از نخستین مسلمانان و سرپرست مسلمانان به حبشه و به نوعی اولین مبلغ بین المللی اسلام می باشند (ابن سعد، محمد، طبقات الکبری) که مورد عنایات خاصه پیامبر بوده اند که سرانجام زندگانشان با شهادت در مونه پایان پذیرفته است. (بلاذری .احمد ابن یحیی .انساب الاشراف .ج ۱ . ص ۳۸۰)

جعافره (ابن سعد .محمد .الطبقات الکبری ج ۴ ص ۲۸): خاندان جعفر در تاریخ معروف به جعافره هستند که نسل جناب جعفر از فرزندان عبدالله استمرار پیدا کرده است در مورد خاندان جعفر این نکته قابل تامل است که از میان آنها بعدها افرادی پیدا شدند که به امارت حرمین نیز دست یافتند (مروزی، الفخری، ص ۱۸۶، عبدالغنی احمد تاریخ امراء مدینه ص ۱۹۷) و حتی از بین آنها افرادی بودند که از صحابی و تابعان امام باقر و صادق بوده اند (نجاشی احمد ابن علی رجال نجاشی ص ۱۱۰، حلی، رجال، ص ۹۹-۱۰۱ و ۱۸؛ تفرشی، تقد الرجال، ص ۱۴۲، و ۱۹۵) خاندان جعفر به آل جعفر نیز شناخته می

شوند. (ابن خلدون تاریخ ابن خلدون ج ۴ ص ۱۴۸؛ زبیدی، الروض المعطار، ص ۲۴-۳۱)
عبدالله ابن جعفر: ایشان فرزند ارشد جناب جعفر بوده و در خاندان جعفر از جایگاه ویژه ای برخوردار است ایشان معروف به سخاوت و جوانمردی بوده (ابونصر البخاری، سرالسلسلة العلویة، ص ۴؛ ابن عبدالبر، یوسف ابن عبدالله، الاستیعاب، ج ۳ ص ۸۸۲؛) و از تجار برجسته زمانه خویش است که مورد عنایت رسول اکرم (ص) قرار گرفته (واقعی، مغازی، ص ۷۷۷) و دارای نقش تاثیرگذاری در حوادث مهم تاریخ صدر اسلام بوده است.

کربلا: نام سرزمینی است در کشور عراق که به گفته شهرستانی ریشه غیر عربی دارد و از معنای "کور بابل" گرفته شده که به معنای مجموعه ای از روستا های بابلی است (شهرستانی هبه الدین حسینی نهضة الحسین ص ۱۱۷) که به سبب واقع شدن حادثه عاشورا در آن بسیار مورد توجه می باشد چرا که از بعد از این واقعه بود که تاریخ اسلام به گونه ای دیگر رقم خورد و شهادت امام حسین و اصحاب باوفایش معیاری برای شناخت آزادی و آزادگی در هر زمان و مکانی شد و تاریخ این سرزمین را به گونه ای دیگر رقم زد.

عاشورا: عاشورا از عَشَر به معنای ده گرفته شده است. و در تاریخ عرب جاهلی به عنوان عید ملی مطرح بوده (عاملی، جعفر مرتضی الصّحیح منسیره انبی، ج ۳ ص ۱۰۶) اما واقع شدن حادثه عظیم قیام امام حسین در این روز معنای این روز را تغییر داد و این روز به عنوان روز شهادت امام حسین و اصحابش خوانده می شود که روز غم و اندوه و عزاداری می باشد. عاشورا مورد عنایت ویژه اهل بیت بوده و هر یک از امامان به تعظیم و بزرگداشت این روز سفارش کرده اند. (ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۴ ص ۹۳/۴۶)

پیشینه ی بحث: در ارتباط با مسأله مورد نظر ما به صورت کلی نوشته های مرتبط و قابل توجه ای وجود ندارد ولی اگر بخواهیم به نوشته های نسبتاً خوب که به نحوی به مسأله ی مورد نظر ما پرداخته اند اشاره کنیم می توانیم به کتابهایی که از جمله آنها کتابی است تحت عنوان «مناقب جعفر بن ابی طالب» اثر محمد ابن عبدالواحد المقدس الدمشقی الحنبلی که این اثر به تحقیق شیخ محمد حسن آل یاسین چاپ شده است در این اثر بیشتر به ذکر فضایل و مناقب جناب جعفر پرداخته و اشاره گذاری به خاندان ایشان هم می کند که بیشتر به ذکر فضایل ایشان می پردازد، از دیگر کتاب های نگاشته شده در این زمینه کتاب «الامام جعفر بن ابی طالب» اثر نایف منیر فارس می باشد که شاید بتوان گفت از کامل ترین کتاب های نگاشته شده در ارتباط با جناب جعفر می باشد که اطلاعات خوبی در ارتباط با جناب جعفر و خاندان ایشان به ما می دهد و در ارتباط با مسأله مورد نظر ما فقط به فرزندان جناب جعفر می پردازد. یعنی عبدالله، محمد و عون و درباره سرگذشت فرزندان و

ماجرای آنها در کربلا گزارشی را مطرح نمی کند از دیگر کتاب های نگاشته شده در ارتباط با خاندان جعفر، کتاب «حیة جعفر بن ابی طالب» نوشته محمود شبلی می باشد که بیشتر تمرکزش بر روی معرفی جناب جعفر است و اطلاعات چندانی در ارتباط با خاندان ایشان و یا بررسی ماجرای کربلا و عملکرد جعفر در کربلا در اختیار ما نمی گذارد. کتاب دیگری که می توان بدان اشاره کرد کتابی است تحت عنوان «جعفر الطیار فتی النقاء والعفاف والجهاد» اثر شیخ محمد یعقوبی که به صورت خلاصه اطلاعاتی در خصوص جناب جعفر در اختیار ما می گذارد، مناسب است از مقاله جناب مرحوم سامانی تحت عنوان «شهدای علوی تبار» نام ببریم که ایشان در این مقاله به صورت کلی به شهدای علوی تبار در زمان ها و مکان های مختلف می پردازند که اطلاعاتی در هر مورد در اختیار ما می گذارند.

نکاتی که باید بدان اشاره کنیم این است که مجموع این مقالات و کتاب های نگارش یافته به صورت غیر مستقیم و کلی اشاره ای به موضوع مدنظر ما یعنی حاضرین از خاندان جعفر در کربلا کرده اند که ما به صورت جزئی و متمرکز به مسأله مورد نظر پرداختیم و تا آنجا که امکان داشت سعی کردیم که بر اساس داده های موثق و براساس قراین و شواهد تحلیلی جامع در مورد مسأله مورد نظری داشته باشیم.

تعداد افراد حاضر از خاندان جعفر در کربلا:

براساس آنچه از مجموع گزارش های تاریخی بر می آید جناب جعفر به غیر از اسماء بنت عمیس همسر دیگری نداشته اسماء بنت عمیس دارای ویژگی های فراوانی بوده شاید مهم ترین آن این بوده که بعد از پیامبر مدافع ولایت امیرالمؤمنین علی علیه السلام و همدم و همراه حضرت زهرا سلام الله علیها بوده است (ابوالحسن عراقی، ۱۴۰۳، ص ۲۰۰) و جناب جعفر از اسماء صاحب سه فرزند به نام های عبدالله، محمد و عون شدند (بلاذری احمدابن یحیی انساب الاشراف ج ۲ ص ۴۴) که هر کدام از آنها صاحب فرزندی شدند ولی نسل جناب جعفر از اولاد عبدالله استمرار پیدا کرد و فرزندان دیگر ایشان نسلشان منقرض شد. (ابونصر بخاری، سرالسلسله العلویه، ص ۴؛ عبیدلی، تهذیب الانساب، ص ۳۰۵؛ بیهقی، لباب الانساب، ج ۱، ص ۳۵۳؛ فخررازی، الشجرة المبارکة، ص ۲۱۶؛ مروزی، الفخری، ص ۱۸۱؛ ابن طقطقی، الاصلی، ص ۳۴۰؛ ابن عنبه، الفصول الفخریه، ص ۹۶).

اما آنچه که برای ما در پژوهش حاضر حایز اهمیت است گزارش های موجود در مورد تعداد افراد حاضر از خاندان جعفر در کربلا می باشد که در نگارش خود سعی کرده ایم بر اساس گزارش های تاریخی به این پرسش پاسخ دهیم.

حال ما به بررسی حضور یا عدم حضور این افراد براساس شواهد و قراین تاریخی می پردازیم:

۱. محمد بن جعفر:

محمد بن جعفر که در حبشه متولد شد و زمان رسول الله را نیز درک کرد و مورد عنایت ویژه ی ایشان نیز قرار گرفت (اسدالغابه، ج ۴، ص ۳۱۳). آنگاه که پدر به درجه شهادت نایل آمد و خانه جعفر یکپارچه عزادار شده بود پیامبر خود را با خانواده جعفر هم‌رنگ کرد و با آنان در غم شهادت جعفر شریک شد و به اسماء همسر جناب جعفر دلگرمی می داد و فرزندان جعفر را مورد تققد ویژه خود قرار دادند.

طبق نقل مورخینی چون طبری ایشان آرایشگر را فرا خواندند و سر فرزندان جعفر را تراشیدند و در مورد محمد بن جعفر فرمودند که چقدر شبیه عمویم ابوطالبی و برای سلامتی و سعادت اولاد جعفر دعا نمودند (سبط ابن جوزی، تذکره الخواص، ص ۱۹۰) و محمد نیز از این دعا و لطف رسول خدا بهره مند گردید، لذا وی را از زمره محامده خواندند که از جمله افرادی قرار دارند که از ارتکاب عصیان بدور هستند. (اختیار معرفة الرجال، کشی، ج ۱، ص ۲۸۶).

طبق نقل مسعودی در تنبیه الاشراف محمد بن جعفر همراه علی (ع) بوده و او را تا جنگ صفین همراهی کرده و در معرکه صفین به شهادت رسیده است (تنبیه الاشراف، مسعودی، ص ۳۹۹) اما واقدی می گوید محمد ابن جعفر در تستر به شهادت رسیده (اسدالغابه، ابن اثیر، ج ۴، ص ۳۱۳) که این گزارش نسبت به گزارش شهادت جعفر در صفین محدود تر می باشد و با سیر تاریخی زندگانی محمد ابن جعفر همخوانی ندارد از دیگر گزارش های مطرح در مورد محمد حضور او در کربلا است که این یک اشتباه در ضبط اسامی می باشد و او را با محمد ابن عبدالله ابن جعفر اشتباه گرفته اند که دلایل رد این مطلب در زمان بررسی شرح احوال محمد ابن عبدالله آشکار خواهد شد، بنابراین می توان گفت که در مورد محمد بن جعفر سه نقل غالب در منابع دست اول موجود است.

طبق نقل برخی منابع چون الاستیعاب از ابن عبدالبر به نقل از واقدی می گوید: محمد بن جعفر در زمان عمر در منطقه تستر به شهادت رسید اما طبق نقل منابع دیگر چون اسدالغابه او به همراه علی بود و در جنگ صفین به درجه شهادت نایل آمد و طبق نقل گروهی دیگر چون ابن داوود در رجالش که از اعتبار کمتری برخوردار است می گوید: او به همراه حسین بن علی در کربلا به شهادت رسید. این نقل های سه گانه مطرح در مورد محمد بن جعفر به خاطر وجود تشابه اسمی است که با محمد بن عبدالله مسر در باره این مسأله وجود دارد و به همین دلیل ابن داوود دچار اشتباه شده است، حال وقتی این سه احتمال را کنار هم می گذاریم آنچه به حقیقت نزدیک تر است عدم حضور او در کربلا و همراهی اش با امام علی (ع) و در جنگ صفین و شهادت در رکاب ایشان می باشد.

۲. عون بن جعفر:

عون بن جعفر: عون فرزند جعفر و اسماء بنت عمیس و برادر محمد و عبدالله فردی است بزرگوار (دینوری، ابن قتیبه، المعارف، ص ۲۰۶) که اطلاعات تاریخی چندانی در ارتباط با او وجود ندارد، اما گزارش های تاریخی محدودی که از او نقل شده روایتگر رویکرد حق مدارانه او می باشد و از کسانی است که در بالین جعفر و اسماء رشد یافته و مورد عنایت رسول خدا نیز قرار گرفته (تذکره الخواص ص ۱۷۳) و هم رکاب امام علی (ع) بوده است. عون، مکئی به ابوالقاسم (مفید، الارشاد، ص ۲۴۷- ۲۴۸) و دارای فرزندی بنام مسور بود که از او ابو جعفر عبدالله به وجود آمد. وی از راویان حدیث بود. روایتش را ضعیف و ساختگی می دانند. (ذهبی، میزان الاعتدال، ج ۴، ص ۲۰۰). ابو الفرج اصفهانی معتقد است که عبد الله بن معاویه بن عبد الله بن جعفر بن ابی طالب، او را آنقدر شلاق زد تا جان داد. ابو الفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۱۵۱؛ بیهقی، لباب الانساب، ج ۱، ص ۴۰۵).

طبق نقل مامقانی در تنقیح المقال به نقل از علمای رجال و انساب میگوید که عون هم رکاب علی بود تا لحظه ای که علی در محراب نماز به رستگاری رسید و بعد از علی (ع) با بصیرتی صحیح امام زمان خود را شناخت و دست بیعت و همراهی به فرزندش امام حسن (ع) داد (مامقانی، تنقیح المقال، ج ۱ ص ۳۵۵) و در این مسیر تا انتها بدون آن که دچار لغزشی بشود ثابت قدم بود تا آن زمان که دست تقدیر جامعه اسلامی را به دلیل نداشتن درک و بصیرت درست از نعمت رهبری فرزانه محروم ساخت و جامعه اسلامی را دچار مشکلات پیچیده ایی کرد که دیگر صرف فداکاری افرادی وارسته برای هدایت این جامعه کافی نبود اما بودند افراد ثابت قدمی چون عون که امام زمان خود را در دریای شبهات تنها نگذاشتند. آری عون بن جعفر امام خویش حسین بن علی (ع) را همراهی کرد تا آن که در رکابش به درجه شهادت نایل آمد.

از دیگر گزارش های تاریخی در این باره گزارش حائری در ذخیره الدارین است که می گوید؛ آن هنگام که حسین آهنگ مکه کرد عون بن جعفر همراه همسرش ام کلثوم به همراهی حسین شتافت و او را یاری نمود.

در نقل دیگری بلاذری سرنوشت عون را با بیان دیگری مطرح می کند، او در ابتدا به نقل از عده ایی از راویان حدیث می گوید: عون به همراه برادر خود محمد بن جعفر همراه علی بن ابی طالب (ع) در صفین به شهادت رسیده و در نقل دیگر می گوید که گفته اند، عون و محمد در کربلا به شهادت رسیده اند، (بلاذری، انساب الاشراف، ج ۲، ص ۳۲۲) که وی این نقل را از اعتبار کمتری برخوردار می داند و در ادامه به نقل از عده ی دیگری چون ابویقظان بصری و عده ایی از بصرییین می گویند که آنها در زمان

خلافت عمر در منطقه تستر حوالی اهواز فعلی به شهادت رسیده اند (بلاذری، جمل من انساب الاشراف ج ۲ ص ۲۹۹) که این امر با منابع دست اول و نقل های معتبر تاریخی دیگر هم خوانی ندارد. ابن حجر در الاصابه به نقل از ابو عمر نقل می کند که عون بن جعفر در تستر و در زمان خلافت عمر به شهادت رسید، همان طور که پیش از این بیان شد با مسلمات تاریخی همخوانی ندارد، بنابراین می توان گفت در مورد عون بن جعفر سه نقل تاریخی ثبت شده است که عبارتند: از شهادت به همراه برادر در تستر یا شهادت همراه برادر در رکاب امام علی (ع) در صفین و یا شهادت در عاشورا در رکاب حسین بن علی (ع)؛ حال ما وقتی شواهد و قراین را همراه با اخبار و گزارشات تاریخی در کنار هم قرار می دهیم به این نتیجه می رسیم که حضور و شهادت او در کربلا به واقع نزدیک تر است؛ از جمله این شواهد محکم، رجز منتسب به جناب عون می باشد که می فرمایند:

ان تنکرونی فانا ابن جعفر ... شهید صدق فی الجنان ازهر

بطیر فیها بجناح اخضر کفی بهذا شرفا فی المحشر (وسیله الدارین، موسوی الزنجانی ص ۲۴۳) ترجمه: اگر مرا نمی شناسید من پسر جعفرم که شهیدی راستین است که در بهشت پرتو افشانی میکند و با بال هایی سبز رنگ در بهشت پرواز می کند و در قیامت همین شرافت مرا کفایت می کند. البته این رجز را برخی رجز جناب عون بن عبدالله می دانند نه عون بن جعفر و شهادت او را وهم و خیال تصور کرده اند (قاموس الرجال ج ۸ ص ۲۸۳) اما باید گفت که حضور و شهادت عون بن جعفر در کربلا را مستندات دیگری نیز تقویت می کند از جمله نقل مسعودی در مروج و الذهب و به تبع آن در وسیله الدارین و ذخیره الدارین و منابعی دیگر که جملگی می گویند عون بن جعفر پس از علی اکبر یا اینکه پس از عبدالله بن مسلم به میدان رفت و دلاورانه به مبارزه برخاست و سی نفر پیاده و هجده سواره از سپاه یزید را به هلاکت رساند و در نهایت به دست زید بن رقاد جهنی و عروه بن عبدالله خثعمی در سن پنجاه و هفت سالگی به شهادت رسید (مروج الذهب ج ۲ ص ۳۰۰) از دیگر مستندات؛ نقل بلاذری در انساب الاشراف است که می گوید؛ وقتی که سر شهدا را نزد عبیدالله بن زیاد می آوردند او سر عون بن جعفر را همراه سر امام حسین (ع) نزد یزید بن معاویه می فرستاد. (بلاذری انساب الاشراف، ج ۲ ص ۴۵)

از مویذات دیگر همراهی عون بن جعفر با امام حسین (ع) و حضور خانواده عون در کربلا طبق نقل برخی منابع این است که: او هنگامه حرکت قافله حسینی از مدینه به سمت کربلا دست ام کلثوم و فرزندان خود را می گیرد و برای نثار جان خویش برای حفاظت از جان امام زمانش به سمت حسین بن علی می شتابد. (مامقانی، تنقیح المقال، ج ۲ ص ۳۵۵)

بنابراین بر اساس شواهد و قرائن موجود می توان ادعا نمود عون بن جعفر در کربلا حضور داشته و با نثار جان خود و شهادت در راه اثبات عقیده، حامی راه حسین بن علی (ع) در صحرای کربلا بوده است.

۳. محمد بن عبدالله:

از دیگر افراد این خاندان که حضور او در کربلا را مورد بررسی قرار می دهیم محمد بن عبدالله بن جعفر می باشد در مورد محمد و سیر زندگی او تا قبل از جریان کربلا اطلاعات چندانی موجود نیست و منابع در این باره سکوت کرده اند اما عمده مسائلی که در باره ایشان مطرح می باشد را می توانیم به دو دسته تقسیم کنیم: دسته اول: مطالبی در ارتباط با نسب ایشان و اقوال مطروحه پیرامون آن دسته دوم: مسأله کیفیت حضور در کربلا و عملکرد ایشان در واقعه عاشورا است که منابع گوناگون به بیان خود گزارش هایی را ارائه داده اند و در مجموع ما رابه پاسخ مطلوب نزدیک می کند.

اما مسأله اول یعنی در ارتباط با نسبت محمد بن عبدالله؛ در میان مورخین، دو نظریه کلی درباره مادر جناب محمد شاهد هستیم گروهی از مورخین مادر ایشان را حضرت زینب می دانند و گروه دیگر از مورخین مادر ایشان را خوصاء بنت حفصه می دانند که ما به بررسی این دو نظریه می پردازیم.

در منابعی چون تاریخ طبری، انساب الاشراف بلاذری و تذکرة الخواص و فصول المهمة ابن صباغ آمده که مادر محمد بن عبدالله، خوصاء بنت حفصه است. (طبری محمد ابن جریر تاریخ طبری ج ۵ ص ۴۶۹) و در منابع دیگری چون معالی السبطین مازندرانی (مازندرانی معالی السبطین ج ۲ ص ۲۳۴) و در وسیلة النجاه زنجانی، مادر محمد را حضرت زینب معرفی می کند. با در نظر گرفتن این دو گزارش به این نکته می رسیم که آنچه به واقعیت نزدیک تر است روایت تاریخ طبری و امثال آن می باشد، چرا که اولین و نزدیک ترین گزارش ها از نظر زمانی به موضوع را آنها می دهند و خبر هایی که منابعی چون معالی السبطین و امثال آن می دهند منابع دست اول تاریخی و منابع نزدیک به حادثه از نظر زمانی نیستند، پس اگر معیار ما برای صحت سنجی این امر منبع نزدیک تر به گزارش از نظر زمان باشد، بی شک آنچه به واقع نزدیک تر می باشد گزارش تاریخ طبری است که می گوید مادر جناب محمد ابن عبدالله خوصاء بنت حفصه است.

اما در مسأله ی دوم یعنی حضور و عملکرد ایشان در کربلا، منابع متعدد گزارش هایی را مطرح کرده اند مانند تاریخ طبری، انساب الاشراف، عقد الفرید، ارشاد و منابع دیگر که نقطه مشترک همه ی گزارش های مطرح شده این است که جناب محمد بن عبدالله در کربلا حضور داشته و در آنجا به شهادت رسیده است. (طبری تاریخ امم والملوک ج ۵ ص ۴۴۷) (بلاذری انساب الاشراف ج ۳ ص ۲۰۰) (مفید الارشاد ج ۲ ص ۱۰۷) در مورد عملکرد ایشان در کربلا شاهد گزارش هایی هستیم از جمله این که

ایشان اینگونه رجز خواندند : أَشْكُو إِلَى اللَّهِ مِنَ الْعُدْوَانِ • فَعَالَ قَوْمٌ فِي الرَّدَى عِمِيَانٍ قَدْ بَدَلُوا مَعَالِمَ الْقُرْآنِ • وَ مُحْكِمِ التَّنْزِيلِ وَ التَّبَيَانِ وَ أَظْهَرُوا الْكَفَرَ مَعَ الطُّغْيَانِ (ابن شهر آشوب مناقب آل ابی طالب ج ۳ ص ۲۵۴) به سوی خداوند از ستم دشمنان و از جنگ گروهی که در رادی گمراهی کور و سرگردان هستند. به راستی آنان راهنمایی ها و محکمت نازل شده قرآن را رها کردند و کفر خویش را با سرکشی آشکار نموده اند. این رجز بلیغ، پرعمق، بیان گر عمق معرفتی بالای ایشان می باشد که دارای فهم و درایت بالایی بوده است.

نکته دیگر در این باره ذکر رشادت های ایشان در نبرد و سرانجام شهادت به دست عامر بن نهشل تمیمی می باشد که در منابع متعددی چون مقاتل الطالبیین و تاریخ طبری ذکر شده است (ابن شهر آشوب مناقب آل ابی طالب ج ۴ ص ۱۱۵) آری این چنین شخصیت مقتدر و والامقامی مورد توجه خاص ائمه نیز قرار گرفته است. چنانچه می بینیم در ادعیه نیز از او یاد شده است مثل زیارت ربیبه و زیارت ناحیه مقدسه که این چنین از ایشان یاد می شود: السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ، الشَّاهِدِ مَكَانَ ابْنِهِ وَالتَّالِيِ لِأَخِيهِ، وَ وَاقِيهِ بِيَدْنِهِ، لَعَنَ اللَّهُ قَاتِلَهُ عَامَرَ بْنَ نَهْشَلِ التَّمِيمِيِّ (سید ابن طاووس الاقبال ج ۳ ص ۷۶ و ص ۳۴۳) سلام بر محمد ابن عبدالله که در کربلا به جای پدر حضور یافت و پس از برادر به شهادت رسید و بدن خود را سپر بالای او (امام حسین (ع)) قرار داد شاهد جایگاه پدرش و پیرو برادرش و حافظ تن او بود، خدا لعنت کند قاتل او عامر بن نهشل تمیمی را. در مجموع می توانیم اینگونه نتیجه گیری کنیم که محمد همراه برادر خود عون که حامل نامه پدر بودند به سمت امام حسین آمدند و همراه امام ماندند و در نهایت به شهادت رسیدند (تاریخ طبری ج ۵ ص ۳۸۷) این مطلبی است که در اکثر منابع دست اول وارد شده و قراین داخلی و خارجی بسیاری همان گونه که اشاره شد آن را تأیید می کند.

۴. عون بن عبدالله:

او فرزند عبدالله فرزند جعفر معروف به عون الاکبر می باشد. حال اگر بخواهیم بررسی جامعی در مورد جناب عون بن عبدالله انجام دهیم باید چند سوال را مد نظر قرار دهیم تا به پاسخ مطلوب و کامل درباره ایشان برسیم.

اولین نکته این است که عون کیست چه ویژگی هایی دارد و چه مطالبی در مورد شخصیت ایشان وجود دارد. نکته دیگر این که مادر ایشان چه کسی است و نکته سوم، بررسی شواهد و قراین موجود مبنی بر همراهی عون با امام حسین و شهادت در واقعه عاشورا است.

ابتدا در مورد شخصیت جناب عون بن عبدالله باید گفت که تا قبل از واقعه عاشورا اطلاعات

چندانی موجود نمی باشد و منابع تاریخی در این باره سکوت کرده اند اما با نظر افکندن به عملکرد ایشان در جریان عاشورا و سخنان و دلاوری هایی ایشان در میدان نبرد و فداکاری ها و شهادت در رکاب امام حسین (ع) می توان فهمید که چه شخصیت بزرگوار و قابل احترامی است.

اما در مورد مسأله دوم شاهد تضارب آرا هستیم، طبق نقل برخی منابع چون تاریخ طبری و تذکرة الخواص سبط ابن جوزی، مادر او جمانه بنت مسیب فزاری است. (طبری تاریخ طبری ج ۴ ص ۳۵۹) (سبط ابن جوزی تذکرة الخواص ص ۲۵۴) در مقابل از طرف دیگر منابع دیگری چون مقاتل الطالبيين ابوالفرج و مفید در ارشاد، ابن قتیبہ در الامامة و السياسة و مجلسی در نفس المهموم، مادر جناب عون را حضرت زینب (س) معرفی می کنند (ابوالفرج مقاتل الطالبيين ص ۱۲۴) و برای سخن خود این چنین استدلال کرده اند که عبدالله دو فرزند به نام عون داشته که یکی عون اکبر و دیگری عون اصغر است. عون اکبر مادرش حضرت زینب است که در جریان کربلا همراه امام حسین و در آنجا به شهادت رسیده و عون اصغر مادرش جمانه بوده که در جریان کربلا حضور نداشته بلکه در واقعه ی «حرّه واقم» در مدینه به شهادت رسیده است در مقابل منابع دیگری چون مقتل خوارزمی و عمدة الطالب و منابعی از این دست، نامی از مادر «جناب عون» نمی آورند و فقط بیان می کنند که عون فرزند عبدالله در کربلا حضور داشته و به شهادت رسیده است (مقتل خوارزمی ص ۳۸) حال اگر ما این سه نقل را در کنار هم قرار دهیم آنچه درست و کامل تر به نظر می رسد نقلی است که می گوید دو نفر به نام عون در کربلا حضور داشته اند. یعنی نقل شیخ مفید و دیگر گزارشگران این واقعه؛ البته اظهار نظر صد در صدی در این مورد امکان پذیر نیست و داده های تاریخی در این باره بسیار محدود است. اما در مورد مسأله سوم حضور او در جریان کربلا از مواردی است که منابع متعدد تاریخی بر حضور او در جریان کربلا صحه می گذارد و هر کدام از زاویه متفاوت گزارشی در این باره به ما می دهند. برای مثال منابعی چون الامامة و السياسة ابن قتیبہ و ابن عبدربه در عقد الفرید و مسعودی در دو کتاب خود یعنی مروج الذهب و تنبیه الاشراف بیان می دارند که عون ابن عبدالله همراه امام حسین بوده است (مسعودی تنبیه الاشراف ص ۳۰۴) این گزارش ها را گزارش های دیگری در منابع تاریخی معتبر تکمیل می کند مثلاً شیخ مفید در ارشاد و طبرسی در اعلام الوری و قندوزی در ینابیع المودة بیان می دارد که عون از شهدای کربلا است از جمله افرادی از خاندان ابی طالب است که همراه شهدای دیگر خاندان آل ابی طالب در مکانی زیر پای امام حسین دفن شده است (مفید الارشاد ج ۲ ص ۱۲۹-۱۳۰) این گزارش خود به نوعی روشن کننده جلوه ابی از واقعیت است که دفن شدن عون همراه آل ابی طالب در کربلا، موید قوی برای حضور او در

کربلا می باشد. ذکر رجز خوانی و دلاوری ها و رشادت های عون در میدان رزم در کربلا نیز موید این ادعا است. در این باره ما می توانیم به گزارش ابی مخنف اشاره کنیم که رجز عون را ذکر کرده که می گوید عون چنین رجز خواند: اَقْسَمْتُ لَا ادْخُلُ إِلَّا الْجَنَّةَ ••• مُوَالِيًا لَا حَمْدَ وَالسُّنَّةَ وَالْفَوْزَ مِنْ بَعْدِ انْقِطَاعِ الْمَنَةِ ••• هُوَ الَّذِي انْقَذَنَا بِمَنِّهِ مِنْ حَيْرَةِ الْكُفْرِ وَشَوْءِ الظَّنِّ ••• صَلَّى عَلَيْهِ اللَّهُ بَارِي الْجَنَّةِ (ابی مخنف مقتل الحسين ص ۱۶۵) ترجمه: سوگند یاد کرده ام که به بهشت وارد نشوم جز در حالی که دوستدار احمد (ص) و سنت او باشم و پس از مرگ به رستگاری بسم. اوست که بر ما منت نهاده و ما را از سرگردانی کفر و بد دلی نجات داد، درود خدای آفریننده بهشت بردبار.

با تعمق در متن این روایت که ابتدا صادره از جانب کسی است که دست اول ترین مطالب را در باره عاشورا به ما می دهد ما را آگاه به حقیقت حضور چنین فردی در کربلا می کند، نکته دیگر اینکه ما با اندیشیدن در متن این رجز می توانیم پی به عمق فهم و پایه های اعتقادی مستحکم چنین فردی ببریم، در ادامه ذکر این نکته خالی از لطف نیست که رجز دیگری نیز به جناب عون منسوب است که برخی آن را منتسب به جناب عون بن جعفر می دانند: اِنْ تُنْكِرُونِي فَاَنَا ابْنُ جَعْفَرٍ ••• شهید صِدْقٍ فِي الْجَنَانِ اَزْهَرِ يَطِيرُ فِيهَا بِجَنَاحِ اخْضَرٍ ••• كَفَى بِهَذَا شَرْفًا فِي الْمَحْشَرِ (موسوی زنجانی وسیله الدارین ص ۲۴۲) اگر مرا نمی شناسید من فرزند جعفری هستم که شهید شد و با بال سبز برفراز بهشت پرواز می کند و این شرافت مرا در قیامت کفایت می کند. این رجز در منابع متعددی از جمله تاریخ طبری ذکر شده است این نیز خود شاهد دیگری بر اثبات ادعای حضور وی در کربلاست. گذشته از این ما می توانیم منابع دیگری را مورد توجه قرار دهیم مثلاً منابع ارزشمند دعایی که در آنها نیز از جناب عون یاد شده مثلاً در الاقبال سید ابن طاووس و مصباح الزائر داریم که در زیارت اول رجب وارد شده که می گویند: السَّلَامُ عَلَى عَوْنِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الطَّيَّارِ فِي الْجَنَانِ، خَلِيفِ الْإِيمَانِ، وَمُنَازِلِ الْأَقْرَانِ، النَّاصِحِ لِلرَّحْمَانِ، التَّالِي لِلْمَثَانِي وَالْقُرَانِ (ابن طاووس الاقبال ج ۳ ص ۷۶-۷۵) سلام بر عون ابن عبدالله (کدامین عون همان که در کربلا حضور داشته و دلاوری کرده در آخر به شهادت رسیده) که این امر ما را به این می رساند که فضای حاکم بر زیارتنامه ها و ادعیه نیز بیانگر حقایقی از تاریخ می باشد که نباید از آن غفلت بورزیم.

از مویدهات دیگر حضور جناب عون در کربلا ذکر رشادت ها و در نهایت ذکر نام قاتل ایشان و نحوه شهادتش می باشد که در منابع متعددی به این امر اشاره شده از جمله در کتاب انساب الاشراف بلاذری و فصول المهمه ابن صباغ آمده که که عبدالله ابن قطبه طایی را او حمله آورد و او را به شهادت رسانید. (بلاذری انساب الاشراف ج ۲ ص ۴۴)

در مجموع این گونه می توانیم نتیجه گیری کنیم که آنچه که در بین مورخین اتفاق نظر وجود دارد و شواهد بسیاری آن را تأیید می کند حضور عون بن عبدالله در کربلا و شهادت در رکاب حسین بن علی (ع) است.

۵. عبیدالله بن عبدالله:

او فرزند دیگر عبدالله بن جعفر است و طبق گزارش تاریخی به همراه برادران خود عون و محمد در کربلا حاضر بود و گفته شده که با جناب محمد بن عبدالله در مادر مشترک است. ابن شهر آشوب نیز در مناقب آل ابی طالب آورده است که وی (ابوالفرج مقاتل الطالبین ج ۱ ص ۶۱) در کربلا حضور داشته و توسط بشر ابن حویطر قاضی به شهادت رسیده است. (ابن شهر آشوب مناقب آل ابی طالب ج ۳ ص ۲۵۴) مطالبی که موید حضور و شهادت جناب عبیدالله در کربلا باشد، گزارش هایی است که در مقتل الحسین خوارزمی آمده که می گوید: عون و محمد و عبیدالله فرزندان عبدالله در کربلا به شهادت رسیدند و پیکر آنها در کربلا مدفون شد و سر ایشان را همراه کاروان اسرا بر روی نیزه ها به شام بردند. (خوارزمی مقتل الحسین، ج ۲ ص ۴۸؛ تنکابنی، اکیلی المصائب، ج ۱، ص ۱۹۳-۱۹۴) این نقل از نقل های مرجع در ارتباط با حضور ایشان در کربلا می باشد، البته در نفس المهموم مجلسی مقاتل الطالبین و منابعی از این دست نیز به حضور ایشان در کربلا اشاره شده است. با بررسی منابعی که حضور جناب عبیدالله بن عبدالله را در کربلا تأیید کرده اند، به این نتیجه می رسیم که عمده منابع از اعتبار بالایی برخوردار نیستند و یا این که از نظر زمانی، آن گزارش ها رادر منابع دست اول ذکر نشده است، پس در نتیجه گیری در این باره می توانیم اینگونه بیان کنیم که حضور جناب عبیدالله در کربلا مورد اتفاق اکثر مورخان نیست و تنها در برخی از آن ها ذکر حضور ایشان در کربلا رفته است، بنابراین احتمال عدم حضور ایشان در کربلا از احتمال حضور ایشان بیشتر است.

۶. قاسم بن محمد بن جعفر:

قاسم فرزند محمد بن جعفر است و در منابعی چون عمده الطالب بیان شده که مادرش، کنیز بوده است و همسرش ام کلثوم صغری دختر عبدالله بن جعفر (مصعب بن عبدالله زبیری، نسب قریش، ص ۸۲؛ عمری علوی، المجدی، ص ۲۹۶؛ عمده الطالب ص ۳۶) و گفته شده که ایشان همواره با امام حسین همراه بوده و این همراهی تا جریان کربلا ادامه داشته است (زبیری نسب قریش ص ۸۲) اما در ارتباط با سرنوشت وی در کربلا دو نظریه وجود دارد؛ طبق نقل قاضی نعمان مغربی در کتاب شرح الاخبار فی فضائل الائمه الاطهار؛ جناب قاسم جزو اسیران کربلا است (نعمان ابن محمد

شرح الاخبار فی فضائل الایمه الاطهار ج ۳ ص ۱۹۷) اما طبق نقل دیگری چون تنقیح المقال و ذخیره الدارین فی مناقب الحسین، جناب قاسم پس از خواندن رجزی دلنشین که خوارزمی آن را در مقتل الحسین با عبارات زیر آورده است: **أَنَا الْغُلَامُ الْأَبْطَحَى الطَّالِبِي ... مِنْ مَعْشَرٍ فِي هَاشِمٍ وَ غَالِبٍ وَنَحْنُ حَقًّا سَادَةُ الدَّوَابِّ ...** هذا حُسَيْنٌ أَطْيَبُ الْأَطْيَابِ مِنْ عَثْرَةِ بُرِّ التَّقَى الْعَاقِبِ (خوارزمی مقتل الحسین ج ۲ ص ۳۶) من غلام ابطحی و طالبی از خاندان غالب و هاشم هستم. ما به حق از مهتران بزرگان هستیم و این حسین است که از پاکیزه ترین پاکیزگان از نسل پیامبر پرهیزکار و نیکو کردار. وی پس از کشتن شماری از دشمنان و برداشتن زخم های زیاد درگیر و دار جنگ به شهادت رسید. (ذخیره الدارین فی مایتعلق بمصائب الحسین (ع)، ص ۳۲۰) (مامقانی، عبدالله، تنقیح المقال ج ۲، حروف تاف، ص ۲۴، سماوی، محمدبن طاهر، وسیلة الدارین فیما يتعلق بمصائب الحسین (ع)، ص ۳۱۸) با بررسی تمامی گزارش های مطرح شده درباره جناب قاسم در مرحله اول به این مطلب رهنمون می شویم که حضور جناب قاسم در منابع دست اول نیامده و مورد توافق غالب مورخین نیست و در مرحله دوم می یابیم که اگر هم وی در کربلا حاضر بوده است جزو شهدا نیست بلکه احتمال اسیری ایشان بیشتر است چرا که اگر شهید شده بود، خبر شهادتش باید در منابع دیگر هم ذکر می شد که چنین خبری یافت نشده است بنابراین می توان ادعا کرد که جناب محمد به احتمال قوی در کربلا حاضر بوده و به اسارت درآمده است.

۷. ابوبکر بن عبدالله:

از ابوبکر بن عبدالله فرزند جعفر بن ابی طالب اطلاعات چندانی در منابع تاریخی موجود نیست. بر اساس برخی گزارش ها نامی برایش ذکر نشده و فقط کنیه وی مشخص شده است. نام مادرش خوصاء دختر حفصه (ابوالفرج، اصفهانی، مقاتل الطالین، ص ۱۲۲) می باشد. حضور او در کربلا محل اشکال است و فقط در برخی از منابع مانند انساب الاشراف و مقاتل الطالیین گزارش هایی آمده که او در کربلا حاضر بوده و از امام حسین دفاع کرده است در زیارت نامه ها نیز یادی از وی نشده است. (ابوالفرج مقاتل الطالیین ص ۱۲۲) (بلاذری انساب الاشراف جلد ۲ ص ۶۸) در مقابل این گزارش ها در کتاب تاریخ اسلام ابن حزم اندلسی گزارش داده که او در واقعه «حرّه واقم» در مدینه به شهادت رسیده است (ابن حزم تاریخ اسلام ج ۵ ص ۲۹) این تمام آن اطلاعاتی است که در منابع از ابابکر ابن عبدالله در منابع ذکر شده و وقتی ما شواهد و قرائن را کنار هم قرار می دهیم و به گزارش های دیگر می نگریم به این نتیجه می رسم که چنین شخصی در کربلا حاضر نبوده است.

۸. ام کلثوم دختر عبدالله بن جعفر:

با بررسی منابع و گزارش های وارده ام کلثوم فرزند عبدالله بن جعفر بن ابی طالب و حضرت زینب (س) است. (دینوری، ابن قتیبه، المعارف، ص ۲۰۷) اطلاعات تاریخی در مورد این بانو بسیار محدود است. آنچه که در مورد ایشان قطعی است همسر قاسم بن محمد بن جعفر بن ابی طالب است (ابن شهر آشوب مناقب آل ابی طالب ج ۳ ص ۲۰۰) که در کربلا همسر خود را همراهی نموده است و به نقل منابعی چون ریاحین الشریعه و منابعی از این دست بعد از شهادت همسر به اسارت در آمد و همراه کاروان اسیران راهی کوفه و شام شدند. (ریاحین الشریعه ج ۳ ص ۲۹۲)

۹، ۱۰. محمد و ابراهیم:

بر اساس نقل طبری و خوارزمی این دو فرد از نوادگان جعفر بن ابی طالب بوده اند (طبری ج ۵ ص ۳۸۹) ولی طبق نقل صدوق در کتاب امالی و به تبع آن مورخان دیگری چون شیخ عباس قمی در نفس المهموم، آن دو از فرزندان عقیل هستند. (صدوق امالی ص ۱۳۶-۱۴۰) اما نکته ایی که باید به آن اذعان کنیم این است که به هويت این دو طفل و ماهیت حرکت آن ها، ابو مخنف که متقدم بر طبری در عاشورا پژوهی بوده است اشاره ایی ننموده است و همچنین ابوالفرج در مقاتل الطالبیین تحت هیچ عنوانی نامی از این دو طفل نبوده است و نکته قابل ذکر این است که توجه به این دو طفل و بیان داستان زندگی غم انگیز آنها به بعد از قرن چهار برمی گردد که در منابع متقدم رنگ و لعاب تازه ایی به خود می گیرد.

اما در صورت قبول وجود این دو طفل، این که فرزند چه کسی هستند؛ عبدالله بن جعفر یا مسلم بن عقیل، با توجه به مستندات تاریخی آنچه با واقع صحیح تر به نظر می رسد این است که این دو فرزندان عبدالله بن جعفر هستند زیرا اگر تقدم زمانی در مورد گزارش در مورد این دو طفل را در نظر بگیریم؛ طبری زود تر خبر از این دو طفل داده است و گزارش خاص دیگری که بخواهد تصریح به این مطلب بکند که این دو فرزند عقیل بوده اند یا عبدالله، وجود ندارد و منابع تاریخی در این زمینه سکوت اختیار کرده نموده اند.

در خصوص حضور یا عدم حضور افراد دیگر از خاندان جعفر در کربلا و واقعه عاشورا و گزارش های موثق که بتوان به آن استناد کرد در منابع تاریخ مطلبی وجود ندارد.

نکته قابل توجه درباره افرادی که ما در این نوشتار بدان ها پرداختیم و مستندات و گزارشات مربوط به آنها را مورد بررسی قرار دادیم، افرادی از خاندان جعفر بن ابی طالب هستند که در جریان کربلا حضور مستقیم داشته اند و به شهادت رسیده اند یا به اسارت در آمده اند و یا اینکه حضور غیر

مستقیم داشته اند، مانند عبدالله بن جعفر که در تاریخ، سوال در مورد عملکرد ایشان بسیار است، ولی منابع و گزارش های تاریخی ناتوان از دادن پاسخی جامع و کامل به این پژوهش ها است، آنچه ما در این پژوهش بدان پرداختیم این بود که حضور تنی چند از این خاندان در یکی از مهم ترین رویداد های جهان اسلام، دلیلی کافی برای صدق این مطلب است که حرکت افراد این خاندان در مسیری درست و درس آموز بوده و بدلائل گوناگون مورد غفلت تاریخ قرار گرفته و به صورت شایسته بدان پرداخته نشده است به از جمله آن دلایل می توان به حکمرانی امویان و عباسیان اشاره نمود.

جناب جعفر بن ابی طالب که ما در این نوشتار به افراد حاضر از نسل ایشان در کربلا پرداخته ایم، فداکاری های بسیاری در راه حفظ و ترویج اسلام داشتند و هم تمامی فرزندان ایشان به صورت مستقیم یا غیر مستقیم در راه دفاع از ولایت جان فشانی نموده اند، نکته این جاست که مهم نیست که ما اثبات کنیم از خاندان جعفر ۸ یا ۱۰ نفر و اینکه افراد کمتر یا بیشتری از این خاندان در جریان کربلا حاضر بوده اند یا نه، آنچه باید به آن اذعان نمود اینکه افرادی از این خاندان به درستی مسیر حقیقی اسلام و امام خویش را شناختند و در راه دفاع از ولی و امام خود از جان خویش ایثار نمودند. ما وقتی گزارش های مربوط به خاندان جعفر را تا واقعه عاشورا و حتی موضع گیری های آنها نسبت به واقعه عاشورا را می نگریم، نشانی از خیانت و دنیا خواهی نمی یابیم و این امر بیانگر تربیت صحیحی دارد که جناب جعفر و اسماء بنت عمیس در راه تربیت اولاد خود به آن عمل نموده اند. آری گزارشات تاریخی نمی توانند ما را به حقیقت مطلب برسانند و یقین صد در صدی به ما بدهند اما آنچه که بر ما با بررسی های انجام شده روشن می شود این است که خاندان جعفر چه آنان که در کربلا حاضر و چه آنان که به دلایلی نامعلوم در کربلا حاضر نبودند، از مسیر حق و حق مداری منحرف نشدند و همواره چونان جناب جعفر، مبلغ جریان ولایت بودند و هریک به نوبه ی خود، برخی با بذل جان در جریان کربلا و جریانات دیگر چون صفین و یا اسارت در کربلا و یا با تبیین حقیقت به وظیفه خود به درستی عمل نموده اند.

نتیجه گیری:

در این تحقیق بدنبال یافتن پا سخ به این پرسش بودیم که حاضران از خاندان جعفر بن ابی طالب در کربلا و نقش ایشان در واقعه عاشورا چه بوده است؟ از مجموع آنچه در منابع تاریخی و انساب نگاری مورد واکاوی قرار گرفت به دست می آید که این خاندان در واقعه عاشورا و در همراهی با امام حسین(ع) چشمگیر بوده است و بر اساس یافته های تاریخی می توان ادعا نمود که نام هشت تن از این خاندان در واقعه عاشورا ثبت شده است که از میان آنها سه نفر به شهادت رسیده و پنج نفر از ایشان نیز اسیر شده اند.

بر اساس بررسی و تحلیلی که ارایه شد نام سه شهید از این خاندان در واقعه عاشورا عبارتند از: عون بن عبدالله، محمد بن عبدالله، و عون بن جعفر. و نام پنج اسیر آنها عبارتند از: محمد بن جعفر، عبیدالله بن عبدالله، قاسم بن عبدالله، ابابکر بن عبدالله، ام کلثوم دختر عبدالله بن جعفر.

فهرست منابع:

١. ابن اثير، اسدالغابه في معرفه الصحابه، محمد ابراهيم بنا، احمد عاشور و محمود عبدالوهاب فايد، بيروت ١٩٨٩.
٢. ابن عبدالبر، يوسف ابن عبدالله، الاستيعاب، ج ١، ص ٢٤٢.
٣. ابن حزم، تاريخ اسلام، مؤسسه البلاغ، ٢٠٠٩ م.
٤. ابن خلدون، مقدمه ابن خلدون، دار احياء تراث اسلامي، بيروت، ١٩٨١.
٥. ابن سعد، كتاب طبقات الكبرى، چاپ علي محمد عمر، قاهره، ٢٠٠١ م.
٦. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، المكتبه الحيدريه، ١٣٧٦ ق.
٧. ابن طقطقي، صفی الدین محمد بن تاج الدین علی (م ٦٧٢ ق)، الأصيلی فی انساب الطالبیین، انتشارات مكتبة آية الله مرعشي قم.
٨. ابن عنبه، احمد جمال الدین (٧٤٨- ٨٢٨ ق)، الفصول الفخريه، به اهتمام سيّد جلال الدین محدث ارموى، تهران، علمى وفرهنگى، ١٣٦٣ ش.
٩. ابن عنبه، عمده الطالب في انساب آل ابی طالب، چاپ محمد حسن آل طالقاني، نجف، ١٣٨٠ ق.
١٠. ابن فندق، ابوالحسن علی بن ابوالقاسم بن زيد بيهقي (٥٤٨-٤٩٠ ق)، لباب الانساب والألقاب والأعقاب، تحقيق سيدمهدي رجائي، قم، كتابخانه آيت الله مرعشي نجفي ١٤١٠ ق.
١١. اصفهاني، ابوالفرج، مقاتل الطالبیین، خانواده الحيدريه، ١٣٨٥ ق.
١٢. بخارى، ابونصر (سده ٤ ق)، سرالسلسله العلويه، قم انتشارات شريف الرضى، ١٣٧٦ ش.
١٣. بلاذرى، انساب الاشراف، چاپ محمود فردوس عظم، دمشق، ٢٠٠٠ م.
١٤. بلاذرى، جمل من انساب الاشراف، ج ٢، ص ٢٩٩.
١٥. تسترى محمد تقى، قاموس الرجال، قم، ١٤١٥ ق.
١٦. تفرشى، سيد مصطفى حسینی (م ١٠٥٠ ق)، نقد الرجال، تحقيق و نشر: مؤسسه آل البيت عليه السلام، قم، اول، ١٤١٨ ق.
١٧. تنكابنى، محمد (١٣٠٢-١٢٣٥ ق)، اكليل المصائب في مصائب الاطائب، تصحيح و تحقيق: محمود رضا افتخار زاده، دفتر نشر معارف اسلامى قم، اول، ١٣٧٣ ش.

۱۸. جمعی از نویسندگان، پژوهشی پیرامون شهدای کربلا، زمزم هدایت، قم، ۱۳۸۵ ش.
۱۹. حائری مازندرانی، مهدی، معالی السبطین، راه آسمان، تبریز، ۱۳۸۱ ش.
۲۰. حائری شیرازی، سید عبدالحمید، ذخیره الدارین، مطبعة مرتضویه نجف، ۱۳۴۵ ق.
۲۱. حلی، سید ابن طاووس، الاقبال الاعمال، بوستان کتاب، ۱۳۷۳ ش.
۲۲. حلی، حسن بن علی بن داود (۶۴۷-۷۰۷ ق)، الرجال، تحقیق: جلال الدین حسینی ارموی، دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ ق.
۲۳. خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، انوار الهدی، ۱۴۲۳ ق.
۲۴. خوارزمی، موفق بن احمد (۴۸۴-۵۶۷ ق)، المناقب، تحقیق: مالک محمودی، مؤسسه نشر اسلامی، قم، دوم، ۱۴۱۴ ق.
۲۵. دینوری، ابن قتیبه، المعارف تحقیق دکتر ثروت عکاشه، الهیئه الحصری العامه الکتاب، ۱۹۹۲ م.
۲۶. ذهبی، محمد بن احمد بن عثمان، (م ۷۴۸ ق)، میزان الاعتدال، به کوشش عمر عبدالسلام تدمری، بیروت، دار الکتب العربی ۱۴۱۰ ق.
۲۷. زبیدی، مرتضی، الروض المعطار فی نسب الساده آل جعفر الطیار، بیروت دار الاحیاء تراث عربی، بی تا.
۲۸. زبیری، مصعب بن عبد الله (۲۳۶-۱۵۶ ق)، نسب قریش، تحقیق: ا.لیفی بروفنال، دار المعارف، قاهره، ۱۴۲۲ ق.
۲۹. سبط ابن جوزی، تذکره الخواص، منشورات الشریف الرضی، قم ۱۴۲۶ ق.
۳۰. سماوی، محمد بن طاهر (۱۲۹۳-۱۳۷۰ ق)، ابصار العین فی انصار الحسین ۷، تحقیق: محمد جعفر طبسی، مرکز الدراسات الاسلامیه لحرس الثورة، اول.
۳۱. شهرستانی، هبه الدین، نهضه الحسین، رابطه النشر الاسلامی چاپ دوم، کربلا ۱۹۶۹ م.
۳۲. صدوق، الامالی، بنیاد معارف اسلامی، قم ۱۴۲۰ ق.
۳۳. طبری، محمد ابن جریر، تاریخ طبری، چاپ محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، ۱۹۶۷.
۳۴. عبدالغنی، احمد، تاریخ امراء مدینه، ترم افزار جغرافیای جهان اسلام، مرکز تحقیقات کامپیوتری نور.
۳۵. عیبدلی النسابة، أبوالحسن محمد بن أبي جعفر محمد (۴۳۶-۳۳۸ ق)، تهذیب

- الانساب و نهاية الأعقاب، تعليق عبدالله الشرف حسين بن محمد المعروف ابن طباطبا، تحقيق سيد محمد كاظم محمودي، قم، كتابخانه آيتالله مرعشي، ۱۴۱۳ق.
۳۶. عمرى علوى، على بن محمد (م ۴۶۰ق)، المجدى فى انساب الطالبين، تحقيق: احمد مهدوى، كتابخانه مرعشى نجفى، قم، اول، ۱۴۰۹ق.
۳۷. فخر رازى، محمد بن عمر، (۵۴۳-۶۰۶ ق)، الشجرة المباركة فى انساب الطالبية، تحقيق سيد مهدى رجائى، كتابخانه آية الله مرعشى، قم ۱۳۷۷ش.
۳۸. قمى، شيخ عباس، نفس المهموم فى مصيبت سيدنا الحسين المظلوم، مكتبة الحيدريه، نجف، ۱۴۲۰ق.
۳۹. كشى، اختيار معرفه الرجال، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى، ۱۳۸۲ش.
۴۰. مامقانى، تنقيح المقال، موسسه آل البيت لحياء التراث، ۱۳۹۲ش.
۴۱. محلاتى، ذبيح الله، رياحين الشريعة، دارالكتب الاسلاميه، ۱۳۶۹ش.
۴۲. مروزى ازورقانى، اسماعيل بن الحسين بن محمد (۵۷۲- بعد از ۶۱۴ق)، الفخرى فى انساب الطالبين، كتابخانه آية الله مرعشى، قم، ۱۴۰۹ق.
۴۳. مسعودى، التنبيه و الاشراف، تصحيح عبدالله اسماعيل الصاوى، دارالصاوى قاهره، ۱۳۷۹ق.
۴۴. مسعودى، على بن حسين، مروج الذهب و معادن الجواهر، چاپ شارل پلا، بيروت ۱۹۷۹م.
۴۵. مفيد، محمد بن محمد، الارشاد، دارالمفيد، ۱۴۱۴ق.
۴۶. مكرم، عبدالرزاق، مقتل الحسين، موسسه الخرسان، بيروت ۱۴۲۶ق.
۴۷. موسى زنجانى، ابراهيم، وسيله الدارين فى انصار الحسين (ع)، موسسه العلمى للمطبوعات بيروت، ۱۴۰۲ق.
۴۸. نجاشى، احمد بن على، رجال نجاشى، دفتر انتشارات اسلامى جامعه مدرسين، چاپ ۱۴۱۸ق، قم.
۴۹. نعمان بن محمد، شرح الاخبار فى فضائل الائمة الاطهار، جامعه مدرسين حوزه علميه، ۱۴۱۴ق.
- ۵۰- ابوالحسن عراقى، اعظم، (۱۴۰۳). "واكاوى از دواج هاى پسران جعفر بن ابى طالب با دختران حضرت امام على بن ابيطالب عليه السلام و آثار آن"، سخن تاريخ، ۴۶، تابستان، ۱۹۳-۲۲۲

۵۱- یعقوب زاده، صفری فروشانی، (۱۴۰۳). "چرایی و چگونگی مباهات به جعفر بن ابی طالب در روایات هفت شخصیت ممتاز منقول از پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)", مطالعات تاریخی جهان اسلام، ۳۱، پاییز، ۸۲-۱۰۵

۵۲- شفیعی دارابی، پورکیوان، (۱۴۰۳)، "خوانش مهم ترین اقدامات فرهنگی جعفر بن ابی طالب (ع) در دوسال اول حضور در حبشه"، مطالعات تاریخی جهان اسلام، ۳۱، پاییز، ص ۱۲۹-۱۰۶

